

خلاصه

ساعات تفریح با او به صحبت پرداختم و اجازه دادم تا حس نفرت خود را بیان کند؛ البته با توجه به این نکته که نباید مورد تنبیه قرار می‌گرفت! او گمان می‌کرد که مظلوم واقع شده است، کسی از وی حمایت نمی‌کند و نماینده فعلی کلاس نیز حقش را ضایع کرده و بر او ستم روا داشته است. بنابراین به طور منطقی و با خونسردی با وی سخن گفتم و سعی کردم محبت به نماینده جدید را در او به وجود آورم. حالا دیگر نماینده پیشین نسبت به نماینده فعلی سر ستیز و ناسازگاری ندارد و رفتارهای معقولی از خود در کلاس نشان می‌دهد.

روحي بیماری

مینا پاکپور رودسری
معلم شهر رشت



چهار ماه از تدریس می‌گذرد و یک ماهی است که نماینده کلاس را تغییر داده‌ام. فریباً روحی که قبلاً این مسئولیت را بر عهده داشت رفتارهای پرخاشگرانه، آزار، صدمه زدن‌های موزیانه و... حتی خرد کردن شخصیت و قهر کردن با نماینده فعلی کلاس - بتول حسینی - را ادامه می‌دهد.

او نگران است از این‌که موقعیتش در اثر نفوذ و فعالیت نماینده جدید به خطر افتاده و دیگر نمی‌تواند آن موقعیت قبلی را داشته باشد.

علاقه مفراط به برخورداری انحصاری از محبت و توجه معلم، او را به این نتیجه‌گیری می‌کشانند احساس می‌کند با ارزش‌ترین موقعیتش را نزد هم‌سالانش از دست داده است. حس اعتمادبه‌نفس کم شده، تنگ‌نظر و ریاست‌طلب است.

فریباً روحی، دائماً در حال نقشه‌کشی و ستیز است؛ با هر موقعیت و امتیازی که در ارتباط با بتول حسینی مواجه می‌گردد، متأثر می‌شود با خودخوری و انزواجویی، خود را از آسایش محروم می‌کند و به نظر می‌رسد که حالات خصمانه‌اش روز به روز بیشتر می‌شود.

برای اصلاح مشکل این دانش‌آموز به مطالعه چندین کتاب تربیتی پرداختم و با توجه به شواهد به این نتیجه رسیدم که شاید فریباً روحی دچار حسادت شده است. این‌گونه دریافتم که حسادت از جهاتی می‌تواند امری عارضی باشد اما اغلب روان‌شناسان برای آن ریشه درونی قائلند. شاید علت وجود نظر اخیر این است که امکان ندارد بتوانیم حسادت را در افراد ریشه‌کن کنیم. کوشش‌ها باید متوجه تعدیل حسادت فرد و رساندن حسادت به حداقل باشد. از سوی دیگر، فرو نشانیدن حسادت از طریق اجبار و فشار امکان‌پذیر نیست.

در راستای اصلاح رفتار فریباً روحی به نکاتی توجه کردم که اهم آن‌ها بدین قرارند:

- تفهیم و آگاه کردن؛ آگاهی و هشجاری دادن به دانش‌آموز با ایجاد روابط عاطفی با او، و تفهیم این‌که، «تورا هم دوست دارم»، می‌تواند تا حدودی تعدیل‌کننده حسادت باشد. من به عنوان معلم، باید این عطش را با روشی منطقی خاموش کنم نه با فشار و تهدید.

- رعایت عدالت؛ از راه‌های عملی در تعدیل این حالت در دانش‌آموز، رعایت عدالت درباره اوست. به عنوان معلم، در عین توجه به نماینده جدید کلاس و یا شاگردان ممتاز، باید بخشی از محبت و عنایت خود را متوجه دیگر دانش‌آموزان کنم. این امر موجب آن می‌شود که احساس حسادت کمتر شود. از طرفی، باید سعی کنم که مقایسه‌ای بین او و نماینده فعلی کلاس صورت نگیرد.

- ایجاد زمینه اعتمادبه‌نفس؛ وقتی دانش‌آموزی آرامش روانی خود را از دست می‌دهد، باید تصورات منفی‌ای را که او در ذهن خویش می‌پروراند به افکاری مفید و سازگار مبدل سازم تا زمینه اعتمادبه‌نفس در او افزایش یابد.

- عقده‌تکانی؛ مخفی نگه داشتن احساس حسادت و به درون ریختن آن به زیان دانش‌آموز است. پس لازم دیدم به هر شیوه‌ای که ممکن است او را از این حالت درآورم. در